

ولایت‌نامه، نوع ادبی عامیانه در حوزه شعر شیعی^۱

سعید بزرگ بیگدلی^۲، اکرم کرمی^{۳*}

(دریافت: ۱۳۹۸/۱/۲۴ پذیرش: ۱۳۹۸/۴/۱)

چکیده

شعر شیعی با تنوع مضامین، رویکردها، کارکردها و قالب‌های شعری در دوره‌های تاریخی مختلف توانسته است به صورت جریانی مستمر و پویا تداوم یابد. محبان اهل بیت با عشق و شوری خاص، خالصانه‌ترین بخش ادبیات تشیع را تا پیش از استقرار حکومت صفویان با وجود موانع و تهدیدات فراوان خلق کردند. هنوز پژوهش‌های گسترده در دیوان‌ها و جنگ‌های شیعی به‌جامانده از گذشته صورت نگرفته است؛ اما همین میزان انجام‌شده نشان می‌دهد شعر شیعی و گونه‌های مختلف آن توانسته است هم در حوزه شکلی و هم محتوایی بر تنوع و غنای شعری در ادبیات فارسی بیفزاید. از آن جمله شکل‌گیری گونه‌ها و زیرگونه‌های جدید است که در این مقاله برآنیم تا نمونه‌ای از آن را معرفی کنیم که از جنگ‌های خطی استخراج کرده‌ایم. این گونه ادبی را مناقب‌خوانان در کوی و برزن و در زیرگذر بازارهای مناطق شیعه‌نشین می‌خواندند. مناقب‌خوانان با خواندن این گونه ادبی سعی در اثبات امامت و ولایت حضرت علی^(ع) داشتند. تقسیم‌بندی این گونه بر اساس محتوا و درون‌مایه آن است که به صورت عنوان در آغاز اشعار ذکر شده است؛ عنوانی که بعدها به مرور زمان و در اثر تکرار بیانگر یک نوع و گونه ادبی در ادبیات دینی ما شده است. هدف از نگارش این مقاله، معرفی و بررسی گونه «ولایت‌نامه» است و نمونه‌هایی از دیوان‌ها و نسخه‌های خطی برای شاهد مثال آورده می‌شود. بدیهی است با بررسی‌های وسیع‌تر بتوان به انواع تازه‌تری در اشعار شیعی دست یافت.

واژه‌های کلیدی: شعر شیعی، ولایت‌نامه، اهل بیت^(ع)، شعر عامیانه.

۱. این مقاله با حمایت صندوق پژوهشگران ریاست جمهوری به رشته تحریر درآمد.

۲. دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس

۳. دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول).

*akram.karami@modares.ac.ir

۱. مقدمه

شعر شیعی در همان دهه‌های آغازین شکل‌گیری ادبیات فارسی به صورت جریانی خودجوش و مردمی پدید آمد و شاعرانی بزرگ چون فردوسی، کسایی، ناصرخسرو در صدر این جریان قرار گرفتند و در ادامه در قرون هفتم تا نهم شاعرانی برجسته چون حسن کاشی، سلیمی تونی و ابن حسام خوسفی در مسیر شعر شیعی درخشیدند. شعرا قبل از عصر صفوی ضمن بیان ارادت خالصانه خود به اهل بیت^(ع) و دستمایه قرار دادن فضائل، مناقب، جوانمردی‌ها، رشادت‌ها، جنگ‌ها، معجزات شگرف روایت‌شده از ائمه معصومین^(ع)، با استناد به وقایع مختلف تاریخی، فقهی، کلامی و نیز آیات و روایات، به اثبات حقانیت شیعه پرداختند و از شعر برای تبلیغ مذهب و باورهای خود در طول تاریخ بهره بردند. این اشعار به دلیل تنوع مضامین و قالب‌های شعری در دوره‌های تاریخی مختلف در گونه‌های متنوعی سروده شده است. طبقه‌بندی این اشعار در قالب انواع ادبی می‌تواند به دستیابی به اطلاعات ارزشمند ادبی، تاریخی، دینی، عرفانی و جامعه‌شناختی منجر شود و ما را در مطالعات مختلف از جمله در شناخت تاریخ تفکر و اندیشه شیعه یاری رساند. در این پژوهش این فرضیه مطرح می‌شود که ولایت‌نامه به عنوان یک مضمون برجسته در شعر شیعی ظرفیت بررسی در قالب یک گونه ادبی را دارد.

۲. بیان مسئله و روش پژوهش

ولایت‌نامه قبل از عصر صفوی، در ابتدا به عنوان یک مضمون شعر شیعی، با تلاش بی‌وقفه مناقب‌خوانان شکل گرفت، رشد کرد و کم‌کم به یک گونه ادبی تبدیل شد. گونه‌های مختلف ادبی در طول تاریخ به تدریج شکل گرفته، تحول و تغییر پیدا کرده و بعضی از آن‌ها کنار گذاشته شده‌اند. عوامل متعددی در فرایند شکل‌گیری و یا کنار گذاشتن آن‌ها تأثیر دارد. گونه ولایت‌نامه نیز از این مؤلفه‌ها جدا نیست؛ از آن جمله می‌توان به عوامل اجتماعی، سیاسی، تاریخی و فکری اشاره کرد. گونه ولایت‌نامه در کنار عوامل دیگر، یکی از مؤلفه‌های فرهنگی در ایجاد حکومت شیعی در قرن دهم است. ولایت‌نامه‌ها قلمرو و پیکره‌ای منسجم از باورها، مفاهیم و ارزش‌هایی است که

ولایت‌نامه، نوع ادبی عامیانه در حوزه شعر شیعی _____ سعید بزرگ بیگدلی و همکار

بر پایه باور به تعیین جانشینی و امامت حضرت علی^(ع) از سوی خداوند شکل گرفته است. تعیین امام علی^(ع) از سوی خداوند، تأکید بر جایگاه قدسی حضرت علی و دیگر ائمه شیعه^(ع)، عصمت حضرت، علم و آگاهی خدادادی و متفاوت ایشان، کرامات و شجاعت ایشان ازجمله باورها و مفاهیم مهم و اصلی در این گونه ادبی است که گاه با تخیل و اغراق برخی از شعرای شیعی همراه شده است. البته ارائه تعریفی جامع و مانع درباره این گونه ادبی مشکل است و شاید مهجور ماندن شعر شیعی، انجام نگرفتن تحقیقات علمی و میدانی وسیع در این حوزه، هم‌سو نبودن مطالعات تاریخی تشیع با مطالعات ادبی و عدم تصحیح نسخ خطی شعر شیعی ازجمله عواملی است که در ناشناخته ماندن این گونه ادبی مؤثر است. گفتنی است این گونه ادبی در ژانر «کرامات و معجزات» و «ادبیات عامیانه» بررسی‌پذیر است. در این مقاله، گونه ادبی ولایت‌نامه به‌عنوان یک گونه عامیانه در حوزه شعر شیعی معرفی، بررسی و تحلیل می‌شود. روش پژوهش در این مقاله توصیفی - تحلیلی است و از ابزار کتابخانه‌ای بهره گرفته می‌شود. قلمرو این تحقیق، بررسی گونه ادبی ولایت‌نامه در متون منظوم فارسی از ابتدا تا قرن دهم است. البته ضمن معرفی گونه ادبی ولایت‌نامه، چند جنگ شعر شیعی نیز معرفی می‌شود. سؤالاتی که در این مقاله بررسی می‌شود به شرح زیر است:

۱. گونه «ولایت‌نامه» چه گونه‌ای است؟
۲. گونه «ولایت‌نامه» در چه سبک و قالب ادبی سروده شده است؟
۳. ویژگی‌های ادبی و زبانی گونه «ولایت‌نامه» چیست؟

۳. پیشینه و اهمیت پژوهش

در حوزه گونه‌شناسی شعر شیعی می‌توان به پایان‌نامه دانشجویی در مقطع دکتری با عنوان گونه‌شناسی ادبیات منظوم شیعی در ایران (از آغاز صفویه تا پایان قاجار) از مسلم نادعلی‌زاده در دانشگاه علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی (۱۳۹۴) اشاره کرد. البته محدوده مطالعاتی این رساله با محدوده مطالعاتی این مقاله هم‌سو نیست؛ ولی می‌تواند تأییدی بر مسئله گونه‌شناسی شعر شیعی باشد. نیز می‌توان به پایان‌نامه دانشجویی در مقطع کارشناسی ارشد با عنوان بررسی ولایت‌نامه به‌مثابه گونه ادبی

خاص شیعی در قرن نهم از حمزه کفاش در دانشگاه فردوسی مشهد (۱۳۹۴) اشاره کرد.

۴. نسخ خطی مورد استفاده در این مقاله

۱. نسخه ارزشمند (۱۳۶۰۹) کتابخانه مجلس شورای اسلامی که به جنگ شاعران گمنام شهرت دارد. بیشتر اشعار این جنگ در مدح و منقبت خاندان پیامبر (ص) به ویژه مولا امیر مؤمنان علی (ع) بود؛ اما در موضوعات عرفانی، اخلاقی و حتی تغزل نیز سروده‌هایی در آن دیده می‌شد. استفاده از این جنگ آسان نبود؛ زیرا محوشدگی و تیرگی و نیز جابه‌جایی فراوان در صفحات آن دیده می‌شد، به گونه‌ای که آغاز و انجام بسیاری از اشعار در آن نامعلوم بود. از این رو ابتدا می‌بایست همه جنگ خوانده می‌شد، صفحات آن مرتب و اشعار موردنظر در آن‌ها پیدا و سپس استنساخ می‌شد.

۲. جنگ شیعی (۳۵۲۸) دانشگاه تهران یعنی جنگ علی بن احمد، از جمله جنگ‌های ارزشمند شیعی است. جز صفحاتی از آن که به موضوعات دیگری مربوط می‌شود، مجموعه‌ای از قصاید منقبتی است که از شاعران شیعه و گاه اهل تسنن در مدح ائمه معصومین به ویژه مولا علی (ع) به جا مانده است. کاتب آن، علی بن احمد، شاعری شیعی بوده است که در همین جنگ، برگ ۱۳۵ تا ۱۳۷، شعری از خود را با عنوان «معجز مصطفی صلی الله علیه و سلم لکاتب» آورده است که هر چند از لحاظ زبانی و ادبی قوی نیست؛ اما به ما نشان می‌دهد که کاتب این جنگ خود شیعه و شاعر بوده است. در دو بیت پایانی شعر او تاریخ سرایش آن ذکر شده است:

ز هجرت نه صد و تسعین و نه بود که شد منظوم این معجز چو شکر
علی ابن احمد گفت معجز به توفیق خدای پاک اکبر
(برگ ۱۳۷)

۳. جنگ ارزشمند خزائن القصیده که با شماره ۴۹۹۲ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است، قصاید منتخب از حدود چهل شاعر برجسته و نسبتاً مشهور را در ادوار مختلف شعر فارسی در خود دارد. علاوه بر این، در حواشی این جنگ نیز قصاید متعددی از دیگر شاعران درج شده است. همان‌طور که از عنوان جنگ پیداست، قالب

ولایت‌نامه، نوع ادبی عامیانه در حوزه شعر شیعی _____ سعید بزرگ بیگدلی و همکار

محور است، بنابراین هم از حیث شاعران و هم از نظر موضوعات تنوع چشمگیری دارد.

۵. ولایت‌نامه

ولایت‌نامه یک نوع ادبی کمتر شناخته‌شده در حوزه شعر شیعی است که تعریفی جامع و مانع از آن وجود ندارد. مهران افشاری در مقاله «جست‌وجویی در تاریخ مناقب‌خوانی و اشاره‌ای به منظومه علی‌نامه» به تعریف «ولایت‌نامه» می‌پردازد. وی ولایت‌نامه را نوعی ادبی می‌داند که مناقب‌خوانان یا مداحان در ساختن آن در قرن هشتم تبحر داشته‌اند و اضافه می‌کند «ولایت‌نامه به منظومه‌هایی که درباره قهرمانی‌ها، کرامت‌ها و معجزه‌های علی بن ابی طالب علیه‌السلام بوده، اطلاق می‌شده و البته غالب این ولایت‌نامه‌ها آمیخته به افسانه و سخنان غیرواقعی بوده است» (افشاری، ۱۳۸۹: ۲۷). مهران افشاری برای استناد سخنان خویش، به کتاب *تذکره الشعراء* دولت‌شاه سمرقندی اشاره می‌کند و می‌گوید: در سده نهم، دولت‌شاه سمرقندی درباره سلیمی تونی، شاعر قرن هشتم، گفته است «... و ولایت‌نامه‌ها را چون او کسی از جمله مداحان نظم نکرده» (۱۳۳۸: ۴۳۷). از سخنان او می‌توان دریافت که در تاریخ ادب فارسی ولایت‌نامه نام یک نوع ادبی یا به سخن فرنگی‌ها ژانر بوده است. این نوع ادبی به نظم بوده است (همان‌جا).

حمزه کفاش پژوهشگر دیگری است که درباره ولایت‌نامه‌ها سخن گفته است. وی در رساله کارشناسی ارشد خویش با عنوان «ولایت‌نامه به مثابه یک گونه ادبی در قرن نهم» این نوع ادبی را معرفی کرده و درباره‌اش توضیحاتی داده است. وی ولایت‌نامه را نوعی ادبی در قالب قصیده دانسته که شاعران شیعی برای بیان عقاید و آراء مذهبی خود، طرح کرده‌اند. حمزه کفاش (۱۳۹۴: ۳۴) معتقد است شاعران با نام‌گذاری دقیق این نوع ادبی، بحث اصلی خود را بر مسئله ولایت - که کلیدی‌ترین مفهوم در عقاید شیعه دوازده امامی است - معطوف کرده‌اند، دیگر اینکه این نوع ادبی در اثبات حقانیت جانشینی امام علی (ع) با ذکر کرامت‌ها و ولایت‌های آن حضرت و دیگر ائمه با روشی خاص که در تاریخ قصیده فارسی بی‌سابقه بوده، سروده شده است. نکته مهم و برجسته

در تعریف این دو پژوهشگر این است که هر دو، ولایت‌نامه را نوعی ادبی برشمرده‌اند که در ذکر کرامت‌ها و معجزات حضرت علی^(ع) است که گاه جنبه اسطوره‌ای و افسانه‌ای پیدا کرده است.

محمدجعفر محبوب هدف اصلی از ایجاد و رواج روایات افسانه‌آمیز درباره امامان را، «محکم ساختن عقاید دینی و جلب احترام و علاقه عامه مردم به خاندان رسالت دانسته است» (۱۳۸۲: ۱۲۴۶/۲). به نظر میرچا الیاده، اسطوره شناس نامدار، علت اصلی حضور شخصیت‌های تاریخی در افسانه و اسطوره،

ذهنیت انسان باستانی - و در ادوار متأخرتر، خواست و پسند عامه مردم - متمایل به حفظ روایات و نمونه‌های اساطیری بوده و بنا بر همین ویژگی، شخصیت‌ها و رویدادهای تاریخی را پس از گذشت چند سده از زمان زندگی و وقوع آن‌ها، به تقلید از الگوهای اساطیری و نمونه‌های مثالی، از تاریخ به عرصه اسطوره، حماسه و افسانه کشانیده است (۱۳۷۸: ۴۹-۶۲).

زیرا «رویداد تاریخی، به‌خودی خود، هرچند مهم نیز باشد، در خاطره عامه نمی‌ماند و یادآوری آن نیز سبب پیدایش الهامات شاعرانه نمی‌شود، جز مواقعی که یک واقعه تاریخی مشخص با نمونه‌ای اساطیری کاملاً شباهت پیدا کند» (همان، ۵۷).

البته گفتنی است که در حوزه ادبیات عرفانی «کتاب‌های متعددی درباره بعضی از مشایخ به قلم مریدان آن‌ها نوشته شده است که معمولاً درآمیخته با افسانه‌ها و کرامات و خوارق عادات مبالغه‌آمیز است» (دانش‌نامه زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۴: ۱/ ۲۹۴) که از آن کتاب‌ها به «مناقب‌نامه» تعبیر می‌شود. مناقب‌نامه‌ها به آمیختگی زندگی مشایخ صوفیه با داستان‌های افسانه‌ای و اسطوره‌ای می‌پردازد. مناقب‌نامه‌ها با ولایت‌نامه‌ها اشتراک محتوایی دارند. درواقع مناقب‌نامه‌ها زندگی ادبی بزرگان صوفیه است و ولایت‌نامه‌ها بیان ادبی کرامات اولیای خداست که از سویی وجهه کرامت و تقدس آن جنبه عقیدتی و باورهای دینی دارد که با اغراق همراه است. در نگرشی، گونه ادبی ولایت‌نامه پیوندی با کتب تذکره‌نویسی و مناقب‌نامه دارد؛ ولی در گستره این نوع ادبی محدود نمی‌شود و به دیگر حوزه‌های ادبی پا می‌گذارد و به عبارتی می‌تواند از منظر کتب تذکره‌ای بررسی شود (البته بررسی ولایت‌نامه‌ها با کتب تذکره‌ای در مجال این مقاله نیست). نکته درخور تأمل درباره این گونه ادبی این است که شاخصه اصلی این گونه ادبی ذکر

ولایت‌نامه، نوع ادبی عامیانه در حوزه شعر شیعی _____ سعید بزرگ بیگدلی و همکار

«کرامات و معجزات» در اثنای داستان ولایت‌نامه است. چنانکه از عنوان آن برمی‌آید در نوع ادبی ولایت‌نامه مناقب‌خوانان از واژه «ولایت» در ولایت‌نامه قصد بیان مفهوم کرامت را دارند. وقتی شاعر می‌گوید:

به نظم آرم ولایت‌نامه‌ای را ز مجموع ولایت‌های حیدر
(جنگ علی بن احمد، برگ ۱۱۹)

هدف شاعر شیعی از آوردن «مجموع ولایت‌های حیدر»، بیان کرامات، فضائل و معجزات حضرت است. هدف شاعران از به‌کارگیری واژه ولایت در مفهوم کرامت، «تلاش برای اثبات قدرت فوق بشری امام است» (کفاش، ۱۳۹۴: ۴۶). ابوالفضل حری در کتاب *کلک خیال‌انگیز ذیل معرفی «ژانر فانتزی»*^۱، اشاره‌ای به گونه ادبی «کرامات و معجزات» دارد که در منابع و مآثر هر ملتی پیشینه است و عمر آن به قدرت ادبیات محاکاتی و قدمت عمر قصه و قصه‌گویی است و خواننده در برابر این آثار در مرز میان واقعیت و خیال قرار می‌گیرد و نمی‌تواند تشخیص دهد که آیا آنچه می‌خواند واقعیت دارد یا ندارد. گاه خواننده این پدیده اعجاب‌انگیز را با علل منطقی تبیین می‌کند و گاه خواننده پدیده فراطبیعی و عجیب را به همان صورت می‌پذیرد. (حری، ۱۳۹۳: ۲۱). وی تأکید دارد که

برخی از این قصه‌ها خاستگاه ماورائی و مذهبی و وحیانی دارند و در همه مذاهب وحیانی و به‌ویژه مسیحیت و اسلام، ریشه دارند و به‌طریقی اساسی و اصولی در دو کتاب سرآمد مسیحی و اسلام، یعنی «عهدین» و «قرآن» گرد آمده‌اند. این آثار در «عهدین» به داستان‌های معجزات مسیح و کرامات حواریون و در «قرآن» به قصص قرآنی مشهور عام و خاص‌اند. داستان‌های معجزات مسیح که اساساً از زبان حواریون نقل گشته‌اند، مجموعه حوادث، کنش‌ها و سرگذشت‌های واقعی دوران پیامبری مسیح را روایت می‌کنند. این داستان‌ها که در قالب معجزات جای می‌گیرند، در گذار از مسیح به حواریون به شاگردان حواریون و قدیسین، پاپ‌ها، کشیشان و افراد برگزیده از معجزات به کرامات تغییر شکل داده است. نمونه داستان‌های کرامات در سنت ادبیات انگلیسی و به‌ویژه ادبیات انگلیسی میانه، رنسانس و متافیزیک بیرون از شمار است (همان، ۲۲).

در برابر داستان معجزات مسیح و کرامات حواریون که با امور عجیب و فراطبیعی

سروکار دارند، در سنت اسلامی و به ویژه قصص قرآنی نیز به داستان‌هایی برمی‌خوریم. خواننده دین‌باور امور فراطبیعی این داستان‌ها را به منزله امور طبیعی می‌پذیرد. در چشم این خواننده مؤمن، این داستان‌های عجیب از معجزات پیامبران و کرامات اولیاست و خواننده امور فراطبیعی آن‌ها را به همان گونه که هست، می‌پذیرد و بدان باور دارد. از این رو، در چشم خواننده دین‌باور ممکن است این امور و داستان‌های اعجاب‌انگیز طبیعی جلوه کند (حری، ۱۳۹۳: ۲۳).

بدین ترتیب، در میان داستان‌های دین‌شناختی، داستان‌هایی که درخصوص قرآن آن‌ها را معجزات می‌نامیم و مجموعه‌ای از این داستان‌ها را زیر چتر عمومی اصطلاح «ژانر کرامات و معجزات» مجموع می‌کنیم. درواقع، عنوان «ژانر کرامات یا معجزات» را درخصوص آثار دین‌شناختی، در برابر ژانر فانتاستیک تودوروف ارائه می‌کنیم (همان، ۲۳).

بر اساس این تعریف، گونه ادبی «ولایت‌نامه» می‌تواند یکی از انواع فرعی «ژانر کرامات و معجزات» باشد؛ زیرا این نوع ادبی ریشه مذهبی دارد و در آن به کرامات حضرت علی^(ع) نظیر طی الارض کردن، سخن گفتن با حیوانات، مرده زنده کردن و ... اشاره دارد. این امور، طبیعی نیست؛ اما یک شیعه باورمند آن را از حضرت علی^(ع) می‌پذیرد و به آن معتقد است. علاقه شیعیان به شنیدن کرامات و معجزات و صفات حضرت سبب شد تا گونه ادبی «ولایت‌نامه» جایگاهی نزد مردم عامه شیعی پیدا کند. مناقب‌خوانان و مداحان هم در تبدیل گونه ادبی ولایت‌نامه به یک گونه عامیانه نقش مؤثری داشتند. این مطلب را می‌توان با تأکید بر عناصر «شعر»، «شاعر»، «مخاطب» و «مکان قرائت شعر» اثبات کرد.

- شعرای شیعی در ولایت‌نامه‌ها برای جلب نظر مخاطب و اقناع آن‌ها بیشتر بر جنبه‌های اعجازگونه و کرامت حضرت تأکید داشتند و گاه آن را با چاشنی تخیل می‌آمیختند تا مخاطب بیشتری جذب کنند. معمولاً مخاطبان در برابر کرامات حضرت احساس عجز و شگفتی می‌کردند و این عجز در برابر شخصیت حضرت علی^(ع) موجب علاقه‌مندی و ارادت بیشتر مخاطبان عامه به آن‌ها می‌شد.

- شاعران ولایت‌نامه‌سرا معمولاً مناقب‌خوانانی بودند که در کوچه و بازار یا محافل

ولایت‌نامه، نوع ادبی عامیانه در حوزه شعر شیعی _____ سعید بزرگ بیگدلی و همکار

شیعی به ذکر مدایح حضرت علی (ع) می‌پرداختند. آنان گاه خود شاعر بودند و اشعار خویش را برای مخاطبان می‌خواندند و گاه درویشانِ کوچه‌گردی بودند که شعر نمی‌دانستند؛ اما به پاس محبت حضرت علی (ع) و تبلیغ فرهنگ شیعی، اشعار شعرای شیعی یا مناقب‌خوانان را روایت می‌کردند. شاعران مداح اهل بیت (ع) در زمره شعرای درباری یا شاعران ممتازی نظیر عطار و سنایی و... نبودند و دیوان اشعارشان سراسر به مدح اهل بیت (ع) اختصاص داشت.

– مخاطبان یا شنندگان ولایت‌نامه، معمولاً مردم عامه‌ای بودند که در کوچه و بازار رفت‌وآمد داشتند و نه قشر درباری یا حتی ادیبان. بنابراین زبان این نوع ادبی نرم و ساده و به زبان مردم نزدیک‌تر شده است. به‌طور معمول در ادبیات، ارتباط با طبقات عوام مستلزم به‌کارگیری لحن و زبانی متناسب با این گروه است.

– مناقب‌خوانان معمولاً در محافل شیعی یا در کوچه و بازار هر جایی که امکان نقالی ولایت‌نامه‌ها فراهم می‌شد به نقالی می‌پرداختند.

البته گفتنی است بخشی از قصه‌های مذهبی مربوط به حضرت علی (ع) در سینه عامه مردم ثبت شده است. ازجمله می‌توان به کتاب حضرت علی علیه‌السلام در قصه‌های عامیانه اشاره کرد. گردآورندگان کتاب اشاره کردند که این قصه‌ها را با تحقیقی میدانی در روستاها و شهرهای مختلف جمع‌آوری کردند که توسط نقالان در کوی و برزن در سالیان دور و نزدیک نقل می‌شده است. از نکته‌های جالب این کتاب اینکه بخش زیادی از قصه‌های نقل‌شده با ولایت‌نامه‌های منظوم مشترک و مشابه است. ازجمله می‌توان به داستان سلمان و دشت ارژن اشاره کرد (وکیلیان و صالحی، ۱۳۸۰: ۳۱). این داستان نیز در جنگ علی بن احمد از شاعری به نام افچنگی نقل شده است (جنگ علی بن احمد، برگ ۸۵). گونه ادبی ولایت‌نامه با تأکید بر چهار عنصر ذکرشده می‌تواند یکی از انواع فرعی گونه ادبیات عامیانه باشد؛ اما در این گونه ادبی هم محدود نمی‌شود؛ زیرا به‌سبب شاخصه‌هایی که دارد خود گونه ادبی مستقلی است. در این بخش از مقاله ابتدا ساختار و سپس محتوای این گونه ادبی بررسی می‌شود؛ اما قبل از ورود به بحث اصلی، اندکی در مورد پیشینه ولایت‌نامه‌ها و زمان پیدایش آن سخن گفته می‌شود.

۱-۵. پیشینه ولایت‌نامه‌سرایی

درباره پیشینه ولایت‌نامه‌سرایی باید گفت در گذشته مرسوم بوده که ابتدای قصاید و اشعار را به حمد خداوند تبارک و تعالی، نعت نبی مکرم، منقبت خلفای چهارگانه، مدح حضرت علی (ع) و ائمه معصومین (ع) زینت می‌داده‌اند. به نظر می‌رسد این اشعار منقبتی که در بخش تغزلی قصاید وجود داشته، کم‌کم با گذر زمان و علاقه شیعیان به شنیدن صفات و کرامات حضرت علی (ع) بسط و گسترش پیدا کرده و خود به نوعی ادبی تبدیل شده است. درباره اینکه اولین ولایت‌نامه توسط چه کسی سروده شده و مبدع این نوع ادبی کیست به یقین نمی‌توان اظهار نظر کرد؛ زیرا در حال حاضر تمام ولایت‌نامه‌ها در دست نیست و تمام نسخ خطی شیعی تصحیح نشده است؛ لکن می‌توان چنین اظهار نظر کرد که بعد از ظهور حسن کاشی در قرن هفتم و انقلاب وی در عرصه شعر شیعی، این نوع ادبی نضج گرفته است؛ اما به قطع می‌توان اظهار نظر کرد که این نوع ادبی در قرن هشتم با اشعار سلیمی تونی به اوج رونق و شکوفایی رسید. در دیوان این شاعر شیعی، بیست و دو ولایت‌نامه دیده می‌شود.^۲

۲-۵. زمان پیدایش گونه ادبی ولایت‌نامه

گونه ادبی ولایت‌نامه در عصری رشد کرد و شکوفا شد که خفقان سیاسی و اجتماعی حاکم امکان ظهور اشعاری با محتوای سیاسی و اجتماعی مخالف با عقیده حاکمیت را نمی‌داد و مناقب‌خوانان خلاف جریان حاکم بر جامعه حرکت می‌کردند. در این شرایط، شعر شیعی برای تأثیر و نفوذ در ذهن مخاطب و تثبیت ایدئولوژیکی خود ناچار باید از ابزاری استفاده می‌کرد که با کرامات، معجزات و شگفتی‌های نقل شده درباره حضرت علی (ع) پیوند خورده باشد. بنا بر شواهد ابیات ولایت‌نامه، هدف شاعران ولایت‌نامه‌سرا از سرایش این نوع ادبی محکم‌ترشدن محبت دوستان و مجبان حضرت علی (ع)، تثبیت عقاید ایدئولوژیکی تشیع، جذب توده عامه مردم و نوعی اعتراض علیه جریان اجتماعی - مذهبی عصر است.

۵-۳. ساختار ولایت‌نامه‌ها

ولایت‌نامه نوعی ادبی است که در قالب قصیده سروده شده است. انتخاب قالب قصیده از طرف این شعرای شیعی علاوه بر اینکه با موضوع اصلی شعر یعنی مدح و منقبت تناسب دارد، بیانگر تعلق خاطر شعرای ولایت‌نامه‌سرا به سبک پیشینیان به‌ویژه سبک خراسانی است. به‌خصوص اینکه تعداد ابیات بعضی از قصاید زیاد است که این هم مؤید توجه شعرا به شیوه قدما به‌ویژه سبک خراسانی و آذربایجانی است. برخی از قصاید شعرای شیعی به شیوه قصاید مدحی دارای تغزل، تخلص، تنه اصلی و شریطه است. البته در جریان این قصاید، «قصاید مقتضب - ورود شاعر به تنه اصلی قصیده بدون ذکر تغزل و تشبیب - نیز وجود دارد» (همایی، ۱۳۶۱: ۱/۱۱۵). حسن مطلع و حسن مقطع زینتی است که برخی از قصاید به آن آراسته شده است. ولایت‌نامه‌ها از نظر ساختاری به سه بخش مقدمه، تنه اصلی قصیده و شریطه تقسیم می‌شود.

۵-۳-۱. مطلع ولایت‌نامه‌ها

شاعر در بخش مقدمه ولایت‌نامه‌ها به حمد و ستایش خداوند، نعت نبی مکرم اسلام (ص) و منقبت حضرت علی (ع) و دیگر معصومین (ع) می‌پردازد و وارد تنه اصلی قصیده یعنی بخش داستانی ولایت‌نامه می‌شود:

حمد بی‌حد، ستایش بی‌مر	هست زیبای خالق اکبر
نقش بند سواد خانه گُن	کارپرداز صورت و جوهر...
معجزاتی که انبیا را بود	در ولایات حیدر تو بنگر...
مستمع باش تا فرو خوانم	شمه‌ای از ولایت حیدر

(جنگ علی بن احمد، برگ ۲۹-۲۷)

گاهی اوقات شاعر بدون مقدمه و به‌سرعت وارد تنه اصلی قصیده - بخش داستانی ولایت‌نامه - می‌شود. چنانچه در ولایت‌نامه «سلمان و دشت ارژن»، شاعر بدون هیچ مقدمه‌ای وارد بخش داستانی شده است:

ای مؤمن موحّد دانای باخبر	بشنو یکی مناقب موزون معتبر
استاد این حدیث ز سلمان پارسی	بشنو به گوش هوش ایا مؤمن این خبر...

(همان، برگ ۸۵)

۵-۳-۲. تنه اصلی قصیده، بخش داستانی

شاخصه اصلی گونه ولایت‌نامه، ذکر داستان در تنه اصلی قصیده است. شاعران به تفصیل از قصه‌گویی برای تبیین و تسهیل ادراک اندیشه‌ها و جلب مخاطبان استفاده کرده‌اند و هدفشان از نقل قصه فقط جلب مخاطب و تسهیل امر ادراک در خدمت اندیشه است. مناقب‌خوانان در ولایت‌نامه‌ها، آغازها و پایان‌های داستان خود را با استفاده از شیوه‌هایی خاص، نشانه‌گذاری کرده‌اند. مناقب‌خوانان در بیشتر داستان‌ها با توجه به موضوع سخن یا تأثیری که قصد دارند بر مخاطب خود به جای بگذارند مستمع را به شنیدن داستان همراه با موضوع، درون مایه و اسناد دعوت می‌کنند. یکی از رایج‌ترین شیوه‌هایی که برای ورود به داستان استفاده می‌شود، دعوت راوی از مستمع برای شنیدن داستان است و به نظر می‌رسد که دلیل بسامد زیاد این شیوه در نقل داستان‌های کهن، بیشتر در شفاهی بودن این نوع قصه‌ها به ویژه در ولایت‌نامه‌هاست؛ زیرا مناقب‌خوانان در کوی و برزن به صورت شفاهی این اشعار را نقل می‌کردند و شنوندگان بی‌واسطه و مستقیم، داستان را از راوی دریافت می‌کردند و وقتی راوی مستمع را به شنیدن داستان دعوت می‌کند به این طریق، سبب جلب توجه مخاطب می‌شود:

از حیات و از ولایت و معجزاتش نکته‌ای
گوش کن تا بازگویم ز ابتدا تا انتها
(سلیمی تونی، ۱۳۹۰: ۶۵)

گاهی هم شاعر مردم را به شنیدن داستان دعوت نمی‌کند؛ بلکه با به کار بردن واژه «شنیدستی» در خطاب به مردم، به آن‌ها اشاره می‌کند که این روایت چنان شهره است که قطعاً شما آن را شنیده‌اید و در ادامه به بیان داستان می‌پردازد:

آن شنیدستی که سید کرد از دنیا سفر
ناگهان دیدش شبی در واقعه خیرالنسا
(جنگ ۱۳۶۰۹، برگ ۹۲)

۵-۳-۳. مقطع ولایت‌نامه‌ها

این نوع ادبی مانند دیگر قصاید مدحی با دعا به پایان می‌رسد. «طبق رسم شعرا، قصاید مدحی را با ابیاتی که مشتمل بر دعای ممدوح باشد ختم کنند. این قسمت از قصیده را شریطه می‌نامند و ادبای قدیم آن را مقاطع قصیده (حسن مقطع) می‌گفته‌اند. شریطه

ولایت‌نامه، نوع ادبی عامیانه در حوزه شعر شیعی _____ سعید بزرگ بیگدلی و همکار

معمولاً به صورت دعای تأیید یعنی متضمن معنی دوام و هم‌بستگی است» (همایی، ۱۳۶۱: ۱۱۰/۱).

درست است که ولایت‌نامه با دعا به پایان می‌رسد؛ اما این دعا به نوعی با ایدئولوژی تشیع گره خورده و کمی متفاوت‌تر از بخش دعایی قصاید معمولی است. در نگاهی کلی، مناقب‌خوانان حسن ختام ولایت‌نامه خویش را با ذکر چهارده معصوم پیوند می‌زنند. مناقب‌خوانان خداوند را به چهارده معصوم قسم می‌دهند و برای تأثیرگذاری بیشتر روی مخاطب، اسامی چهارده معصوم یا القاب و کنیه‌های حضرات معصومین^(ع) را فرد به فرد ذکر می‌کنند. در این شیوه حسن ختام ولایت‌نامه مشحون به نشانه‌هایی از نوع ادبی سوگندنامه و آراسته به نام چهارده معصوم می‌شود.

منزها احدا قادرا خداوندا به حق احمد مختار و حیدر کرار
به سوز سینه زهرا به حق عصمت او به حق شیر و شیر و زبده اطهار ...
(جنگ علی بن احمد، برگ ۲۲۷)

۵-۳-۴. عنوان در ولایت‌نامه‌ها

در این بخش به نظر می‌رسد این سؤال مطرح است که آیا کاتبان، این عنوان - ولایت‌نامه - را به این نوع ادبی اختصاص داده‌اند یا شعرا خود به این نوع ادبی اشاره داشته‌اند؟ باید اشاره کرد که شعری که درباره موضوع خاصی شعر می‌سرایند، عنوانی برای آن در نظر می‌گیرند. برای نمونه اشعاری را که در وصف بهار سروده شده باشد «بهاریه» یا به مقتضای نوروز و آداب آن باشد «نوروزنامه» گویند؛ یعنی شاعر بر اساس محتوا یک نوع ادبی خلق می‌کند و به‌طور معمول این عنوان‌ها در ابتدای اشعار درج می‌شود. درباره ولایت‌نامه نیز این حکم صادق است. معمولاً ولایت‌نامه‌ها به مثابه یک نوع ادبی، عنوان «ولایت‌نامه» دارند و شاعر در ابتدای شعر اشاره می‌کند که مشغول سرایش ولایت‌نامه است.

شاهد این حال دارم یک ولایت‌نامه‌ای تا بگویم با تو یک ساعت به من کن گوش جان
(سلیمی تونی، ۱۳۹۰: ۱۹۷)

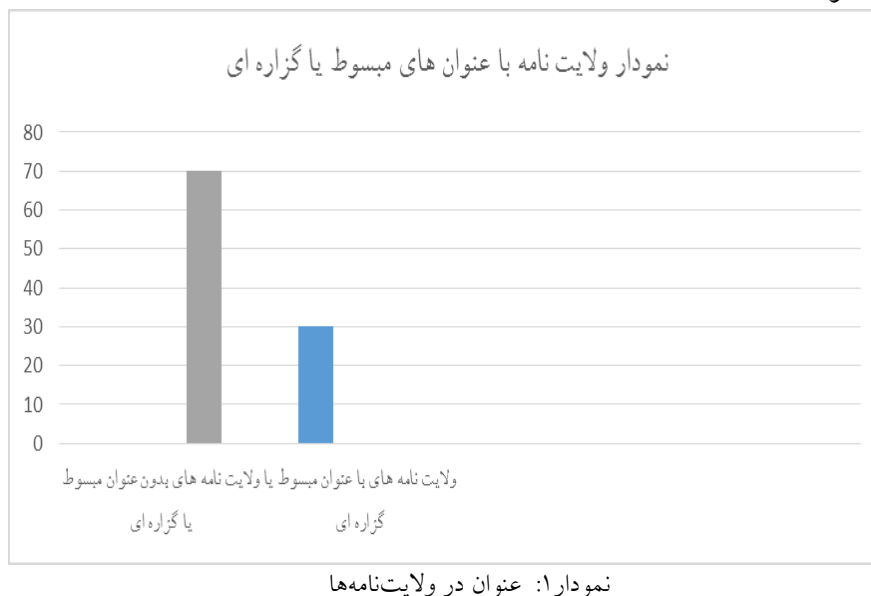
البته این ساختار در تمام ولایت‌نامه‌ها صادق نیست و ولایت‌نامه‌هایی هم دیده می‌شود که نه تنها عنوان ولایت‌نامه ندارند؛ بلکه حتی شاعر در اثنای شعر هم به

ولایت‌نامه‌سرایی خویش اشاره نمی‌کند، ولی ساختار و درون‌مایه شعر با ساختار ولایت‌نامه یکی است و از درون‌مایه و ساختار می‌توان به نوع ادبی ولایت‌نامه پی برد. برای نمونه، یک ولایت‌نامه در جنگ شیعی ۳۵۲۸ دانشگاه تهران برگ ۸۵، با عنوان «فی‌النت» آمده؛ اما ولایت‌نامه است. این قصیده ساختاری شبیه به ولایت‌نامه دارد و درون‌مایه آن، کرامات حضرت علی^(ع) به سلمان فارسی است. این نوع ادبی علاوه بر داشتن عنوان ولایت‌نامه با عنوان‌های دیگری چون فضیلت‌نامه و معجزنامه نیز خوانده شده است.

۵-۳-۴. ۱. عنوان‌های مبسوط یا گزاره‌ای

یکی دیگر از ویژگی‌های عنوان در ولایت‌نامه‌ها این است که شعرا - مناقب‌خوانان - عنوان‌هایی گزاره‌ای یا مبسوط برای ولایت‌نامه‌های خود برمی‌گزیدند؛ مانند «ولایت‌نامه امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام که دست‌بریده‌اند و خود درست کرده‌اند» (جنگ علی بن احمد، برگ ۲۲) یا «ولایت‌نامه اسود و دست‌بریدن او» (جنگ ۱۳۶۰۹، برگ ۲۸۳) و «ولایت نمودن سلطان ولایت‌پناه و کرم آبی و دختر» (ابن‌حسام خوسفی، ۱۳۶۶: ۱۸۴). این عنوان‌ها وضوح بسیار دارد و شاید بتوان گفت یک نوع خلاصه‌ای از داستان درونی ولایت‌نامه است. ویژگی عنوان‌هایی به این شکل در ولایت‌نامه متأثر از ساختار حاکم بر این نوع ادبی است که شامل تعلیمی بودن و شفاهی بودن آن است. داشتن چنین عنوان‌هایی در ابتدای ولایت‌نامه‌ها می‌تواند کارکردهای مثبتی داشته باشد. ازجمله اینکه ذهن مخاطب یا فردی که روایت را می‌شنود بر داستان متمرکز می‌شود و همچنین شمای کلی و گاه خلاصه‌ای طرح‌واره از داستان ولایت‌نامه را در ابتدا برای مخاطب مجسم می‌گردد. از آنجایی که معمولاً مناقب‌خوانان به‌صورت شفاهی ولایت‌نامه‌ها را در کوی و برزن می‌خواندند، آوردن این عنوان‌های گزاره‌ای یا مبسوط می‌توانست مانع پرت شدن حواس مخاطب و از دست رفتن درون‌مایه ولایت‌نامه برای مخاطب و همچنین مانع از دست رفتن سررشته ولایت‌نامه از سوی راوی یا نقال یا مناقب‌خوان شود؛ زیرا به‌دلیل شفاهی بودن این نوع ادبی و ازدحام جمعیت در اطراف مناقب‌خوان احتمال از دست رفتن سررشته ولایت‌نامه از سوی راوی وجود داشت.

بنابراین این عنوان‌ها می‌تواند نظم‌دهنده خط سیر ولایت‌نامه برای مخاطب و نقل باشد و البته یک نقش مهم دیگری را نیز می‌تواند ایفا کند و اینکه سبب می‌شود تا مخاطب بتواند توجه و حواس خود را به بخش غیرداستانی که هدف اصلی مناقب‌خوان است، معطوف کند و اجازه دهد که میزان توجه مخاطب به بخش‌های غیرداستانی، افزایش یابد و دیگر مخاطب نگران خط سیر داستان نباشد؛ زیرا درون‌مایه و در شرایطی حتی خلاصه داستان را می‌داند و توجه مخاطب به‌طور غیرمستقیم از ظاهر داستان به تفاسیر، مفاهیم و معانی باطنی آن، پیش از آغاز داستان معطوف می‌شود. البته گفتنی است که این‌گونه عنوان‌های مبسوط با مثنوی معنوی تطبیق‌پذیر است. سمیرا بامشکی در کتاب *روایت‌شناسی داستان‌های مثنوی* این عنوان‌ها را در هشت شکل، معرفی و بررسی کرده است که نوع ادبی ولایت‌نامه در برابر مثنوی معنوی فقط در دو شکل تشابه دارد و آن هم در نوع «آوردن درون‌مایه داستان در عنوان» و «آوردن خلاصه داستان در عنوان» است؛ مانند «داستان زنی که شوی زاهد خود را با کنیزک تنها نمی‌گذاشت» (بامشکی، ۱۳۹۳: ۴۸۶) یا «داستان آن پادشاه‌زاده که پادشاهی حقیقی به وی روی نمود» (همان، ۴۸۸).



نگارندگان از میان هشتاد ولایت‌نامه گردآوری شده، به این نتیجه رسیدند که حدود ۷۰ درصد از ولایت‌نامه‌ها بدون عنوان مبسوط یا گزاره‌ای است و سی درصد از از ولایت‌نامه‌ها با عنوان‌های مبسوط هستند.

۴-۵. موتیف‌ها در ولایت‌نامه‌ها

ولایت‌نامه‌ها از نظر مضامین طرح شده در آن بر حول محورهای متعددی حرکت می‌کند:

۴-۵-۱. مبارزه حضرت علی^(ع) با حیوانات و موجودات اهریمنی

برخی از ولایت‌نامه‌ها بر محوریت مبارزه حضرت علی^(ع) با اژدها، مارها، عفریت‌ها، شیران، شیاطین یا موجوداتی عجیب است؛ مانند «جنگ حضرت علی علیه‌السلام با اژدر و تسلیم شدن اژدر در برابر او» که هدف شاعر از طرح چنین ولایت‌نامه‌هایی اشاره به شجاعت حضرت است.

امیرالمؤمنین بزد آنجا یکی نعره مردانه

ز خواب اندر شد اژدرها بجوشید زهره‌اش در بر

بسی از خود شد اژدرها به خود آمد بجست از جا

دهان را کرد پر آتش نشانش کرد بر حیدر...

(جنگ ۱۳۶۰۹، برگ ۷۲)

۴-۵-۲. علم حضرت علی^(ع)

برخی از ولایت‌نامه‌ها بر محوریت علم حضرت علی^(ع) حرکت می‌کند. برای نمونه افرادی نزد حضرت علی^(ع) می‌آیند و سؤالاتی می‌پرسند که معمولاً بزرگان و دانشمندان از پاسخ به آن عاجز هستند و حضرت به آن‌ها پاسخ می‌دهد؛ مانند ولایت‌نامه‌ای که فردی نزد حضرت آمد و گفت: «من نه زن هستم و نه مرد» و سؤالات شرعی خویش را بیان کرد:

سؤال اول از میراث کرد آن مرد اعجوبه

سؤال ثانی‌اش از غسل در حال ممات آن‌جا

ولایت‌نامه، نوع ادبی عامیانه در حوزه شعر شیعی _____ سعید بزرگ بیگدلی و همکار

سؤال ثالثش بود از کفن او چون شود فانی

چگونه در کفن پیچند خلقانش ز سر تا پا

(جنگ علی بن احمد، برگ ۲۷۰)

۵-۴-۳. قضاوت حضرت علی^(ع)

برخی از ولایت‌نامه‌ها بر حول محور قضاوت حضرت علی^(ع) حرکت می‌کنند. البته این نکته درخور تأمل است که آن حضرت در ولایت‌نامه‌ها، نه تنها قاضی انسان‌هاست؛ بلکه حیوانات و اجنه نیز برای قضاوت و دادخواهی نزد وی می‌آیند؛ مانند قضاوت حضرت برای سهم‌الارث جنی که دو سر داشت:

علی بگفت در آن دم که او بود خفته	نهاده هر دو سر خویش را بر بستر
یکی درآید و دستی نهد ابر یک سر	اگر ز خواب درآید مر آن سر دیگر
ز مال باب دو بهرش همی رسد بدهید	که سر دو تاست دو جان دارد اندر یک بر

(جنگ خزائن القصیده، برگ ۱۳۵)

۵-۴-۴. کرامات و معجزات حضرت علی^(ع)

برخی از ولایت‌نامه‌ها بر محور کرامات، معجزات و کارهای خارق‌العاده و شگفت حضرت حرکت می‌کنند. تقریباً می‌توان ادعا کرد که بیشتر ولایت‌نامه‌ها در این دسته جای می‌گیرند. برای نمونه یکی از کرامات منسوب به حضرت علی^(ع) شفا دادن بیمار است. این نوع از کرامت وی، در نوع ادبی ولایت‌نامه برجسته است. در این نوع ادبی حضرت همچون طبیبی روحانی و با دمی مسیحایی بیماران را شفا می‌دهد. برای نمونه در ولایت‌نامه «جوانمرد قصاب»، حضرت دست بریده و چشم‌کنده قصاب را شفا داد. آن دُرّ دریای دانش چشم و دست آن جوان باز بنهادش به جا از علم آن فخر تبار فاتحه برخواند بر دست و دوچشمش بردمید شد دو چشم و هر دو دستش همچو اوّل بی عیار (جنگ علی بن احمد، برگ ۲۲۰)

۵-۵. منابع ولایت‌نامه‌ها

ولایت‌نامه‌ها از نظر مستند و مستدل بودن به چند دسته تقسیم می‌شوند:

۵-۵-۱. ریشه قرآنی برخی از ولایت‌نامه‌ها

شاعر شیعی اصل موضوع - فضیلت یا کرامت منسوب به حضرت علی (ع) - را از قرآن برگرفته و آن را دستمایه آفرینش ادبی خویش قرار داده است؛ مانند داستان خاتم بخشی حضرت علی (ع) در هنگام رکوع که در «ولایت‌نامه افصح خباز» آمده است. اصل این ولایت‌نامه ریشه قرآنی دارد و به آیه ۵۵ سورة مائده اشاره دارد: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ». ولی شما تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده‌اند، همان کسانی که نماز را بر پا می‌دارند و در حال رکوع، زکات می‌دهند.

شاه مردان شیر یزدان در نماز ایستاده بود

و اندر آن دست مبارک داشت یک انگشتی ...

سائل از حیدر ستد انگشتی و بوسه داد

گفت هر چیزی ز حیدر هست نبود سرسری

(جنگ علی بن احمد، برگ ۱۲۴)

۵-۵-۲. ریشه روایی برخی از ولایت‌نامه‌ها

شاعر شیعی اصل روایت نقل شده در کتاب‌های معروف تشیع و تأییدشده علمای شیعی را دستمایه پردازش‌های شاعرانه خویش قرار داده و در نوع ادبی ولایت‌نامه به نقل آن پرداخته است؛ مانند داستان «طشت و کرم در شکم دختر باکره» یا داستان «ورود قاضی جنیان در مسجد کوفه در هیئت یک مار عظیم» که در زمرة روایات متواتر و معتبر شیعی است. چنان‌که در حال حاضر در مسجد کوفه نمادهایی برای این دو موضوع با عنوان «باب الثعبان» و مقام «قضاوت علی علیه السلام و طشت و دختر باکره» ایجاد کردند که شیعیان در قرون متمادی به آن احترام می‌گذارند.

البته گفتنی است که کتابی به نام ولایت‌نامه ترجمه کتاب خصائص‌الائمہ علیهم‌السلام از سید رضی در قم به چاپ رسیده است که به ذکر فضائل و صفات حضرت علی (ع) و معجزات نقل شده از ایشان در قالب حکایت می‌پردازد. از نکات درخور تأمل در این کتاب این است که تعدادی از حکایات نقل شده از حضرت علی (ع) با ولایت‌نامه‌های منظوم مشترک است؛ از جمله می‌توان به ولایت‌نامه پاسخ دادن به

ولایت‌نامه، نوع ادبی عامیانه در حوزه شعر شیعی _____ سعید بزرگ بیگدلی و همکار

سؤالات اسقف مسیحی اشاره کرد (رک: محمد مهدی کافی، ۱۳۸۱: ۱۰۹-۱۱۴) که در دیوان سلیمی تونی (۱۳۹۰: ۴۱-۵۶) نقل شده است.

۵-۳. ریشه تاریخی برخی از ولایت‌نامه‌ها

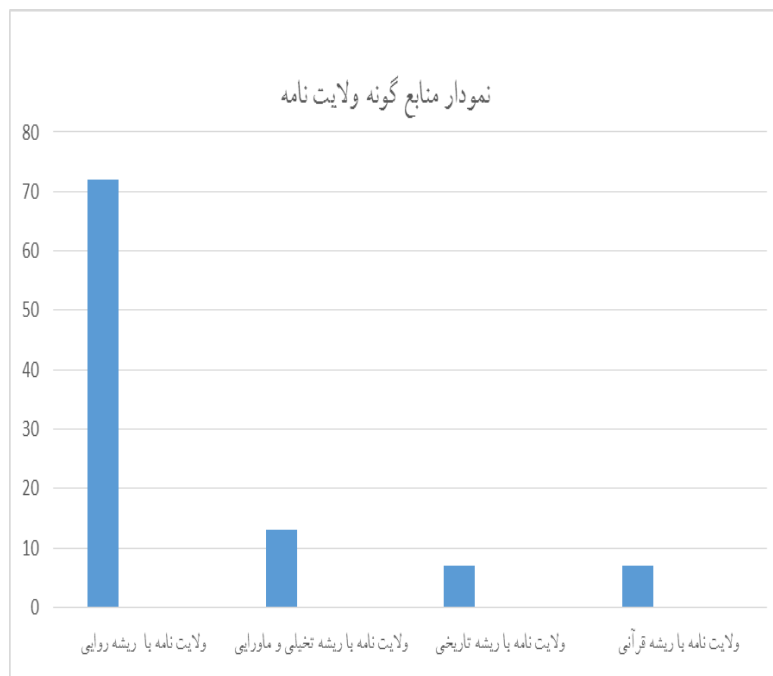
شاعر شیعی در ولایت‌نامه به نقل داستان و ماجرای می‌پردازد که در تاریخ اسلام مذکور است و مسلمانان اعم از شیعه و سنی آن را تأیید می‌کنند؛ مانند ماجرای «کندن در خیبر توسط حضرت علی علیه‌السلام». این ماجرا در جنگ خزائن القصیده، با عنوان «ولایت‌نامه کندن در خیبر از ثنایی» آمده است.

به ضرب آن دژ بجنبانید حیدر به یک قوت بکنند از بیخ و از بار...
بکند آن در بیفکند از پس پشت چهل گز از قفا آن شیر جبار
(جنگ خزائن القصیده، برگ ۱۴۸)

۵-۴. ریشه تخیلی برخی از ولایت‌نامه‌ها

شمار محدودی از ولایت‌نامه‌ها ریشه تاریخی، قرآنی و روایی ندارند. این تعداد از ولایت‌نامه‌ها ساخته و پرداخته ذهن بشری است و بیشتر بر جنبه‌های حماسی و شخصیت فوق بشری حضرت علی (ع) تأکید دارد. مانند «داستان سوار شدن حضرت علی علیه‌السلام و حسنین و سلمان فارسی بر ابری بزرگ همچون پرنده‌ای هولناک و رفتن به شهری دور نزد قوم یاجوج و ماجوج».

حسن حدیث ز یاجوج گفت و از ماجوج که نیست آرزویم غیر دیدن ایشان
به ابر کرد اشارت علی به روی هوا هوا گرفت به امرش چو مرغ شد پران
(سلیمی تونی، ۱۳۹۰: ۲۱۲)



نمودار ۲: منابع ولایت نامه‌ها

نگارندگان از میان هشتاد ولایت نامه گردآوری شده به این نتیجه رسیدند که حدود ۷۳ درصد از ولایت نامه‌ها ریشه روایی دارند؛ ۱۳ درصد ریشه تخیلی و ماورائی دارند؛ ۷ درصد ریشه قرآنی و ۷ درصد ریشه تاریخی دارند. این جامعه آماری در قالب نمودار فراوانی منابع ولایت نامه‌ها ترسیم شد.

۵-۶. ویژگی‌های ادبی و زبانی گونه ادبی ولایت نامه

زبان این اشعار ساده، روان و به ذهن خواننده امروزی نزدیک است. با اینکه واژگان عربی در آن مشاهده می‌شود؛ اما این واژگان از نوع واژگان کاربردی در فرهنگ عامه مردم است و به ذهن مخاطب آشناست. بسامد واژگان کهن هم در آن به اندازه‌ای نیست که مخاطب را از فهم ابیات عاجز کند. ولایت نامه در حوزه ادبی، اشعاری است مستقیم و حرفی. مانند نثری زیباست که منظوم شده است. هرچند که از صنایع ادبی و بیانی بهره برده است؛ اما زبانش تشخیص ادبی نیافته است.

این گونه ادبی در یک بازه زمانی به شکوفایی رسیده که شعرای بزرگی چون سعدی و حافظ در سبک عراقی شعر می‌سراییدند. این گونه ادبی از نظر عنصر عاطفه و تصویر، بسیار ضعیف و فقیر است و تصاویری که شعرای ولایت‌نامه‌سرا ارائه می‌دهند تصاویری ساده و محسوس‌اند و شعرا تلاشی برای ارائه تصاویر بکر، مبتنی بر کشف درونی نکرده‌اند. در زمانی که شعر فارسی اوج زیبایی، فصاحت، بلاغت، تصویرسازی را تجربه می‌کند شعرای ولایت‌نامه‌سرا شعری می‌سرایند که از نظر عنصر تخیل و عاطفه، قابل قیاس با اشعار بزرگان ادب فارسی نیست. در زمانی که قالب شعر غزل است، شعرای ولایت‌نامه‌سرا قالب قصیده را برمی‌گزینند. زمانی که شعرا دغدغه به‌کارگیری صنایع بدیعی را در اشعارشان دارند، شعرای ولایت‌نامه‌سرا اشعاری را می‌سرایند که تقریباً در یک قصیده ۵۰ بیتی، شاید پنج صنعت ادبی در آن برجستگی داشته باشد. اما نکته قابل تأمل این است که در ولایت‌نامه‌ها آرایه‌های ادبی برجستگی ندارند؛ اما آرایه‌های تلمیح، تضمین و اقتباس به تناسب موضوع بالاترین بسامد را در ولایت‌نامه‌ها به خود اختصاص داده‌اند که از مختصات سبک عراقی است.

بنابراین به نظر می‌رسد که از این نشانه‌ها می‌توان به این موضوع حکم کرد که این گونه ادبی خلاف جریان ادبی حاکم بر زمان خود حرکت می‌کند؛ یعنی وجه ادبی و ادبیت شعر در درجه دوم قرار دارد و شعرا از شعر به عنوان ابزاری برای انتقال مفاهیم مضامین ایدئولوژیکی تشیع بهره برده‌اند. چنان که در بخش تلمیح به روایات شیعی و تضمین و اقتباس به آیات قرآنی، گوی سبقت را حتی از شعرای برجسته هم‌عصر خود برده‌اند. شعرای این گونه ادبی قبل از اینکه شاعر باشند، خطیب‌اند؛ خطیبانی که از شعر برای داستان‌گویی بهره برده‌اند. یعنی خطیب بودن این افراد بر ادیب بودنشان برتری دارد. و دیگر اینکه شعرای ولایت‌نامه‌سرا معمولاً اشعارشان را در کوچه و بازار و گاهاً در محافل خاص شیعی می‌خواندند و اهتمام و تأکید بر ادبیت شعر نداشتند و تمام هم و غمشان بازخوانی مفاهیم و احادیث شیعی در قالب نظم بوده است. در حالی که شعرای برجسته معاصرشان، اشعار خود را در محیط‌های ادبی یا درباری یا مکتبی می‌خواندند و در بوتۀ نقد و تحلیل قرار می‌دادند.

از نظر لحنی هر سه بخش این قصاید ولایت‌نامه دارای لحن خاص خود است.

بخش مقدمه با زبانی ساده و لحنی مفاخره‌گونه به محبت اهل بیت (ع) اختصاص دارد. بخش داستانی، زبانی ساده و عامیانه دارد و بخش مؤخره گاه با لحنی که گزش هجویات در آن به چشم می‌خورد، قابل تحلیل است.

۶. نتیجه

شعر شیعی با قدمتی که دارد و تنوعی که پیدا کرده زیر سایه انواع شعر فارسی ناشناخته مانده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که شعر شیعی به‌عنوان بخشی از ادب فارسی در گونه‌ها و انواع ادبی طبقه‌بندی و تقسیم می‌شود. معیار و ملاک طبقه‌بندی شعر شیعی به انواع ادبی بر اساس محتوا و درون‌مایه اشعار خواهد بود و فارغ از قالب شعری اثر است. گونه‌ها با تأکید بر محتوای اشعار، ساختاری مشخص دارند. معمولاً هم در محور افقی و هم در محور عمودی انسجام و ترتیبی خاص در آن‌ها مشاهده می‌شود.

با مروری بر اشعار شیعی، گونه ولایت‌نامه در این مقاله به عنوان یک نوع ادبی پیشنهاد شد. البته در بخش مقدمه اشاره شد که گونه ادبی ولایت‌نامه می‌تواند یکی از انواع فرعی «ژانر کرامات و معجزات» باشد؛ زیرا یکی از مفاهیم اصلی گونه ادبی ولایت‌نامه ذکر کرامات حضرت علی (ع) است. در این وجه با گونه «کرامات و معجزات» مشترک است؛ اما در آن محدود نمی‌شود. اشاره شد که این گونه ادبی می‌تواند یکی از انواع فرعی گونه ادبیات عامیانه باشد؛ زیرا شاعران آن مداحان و مناقب‌خوانانی بودند که اشعار را با زبانی ساده و روان مطابق درک و فهم عامه می‌سرودند و در کوچه و بازار و گه‌گاه در محافل خاص شیعی می‌خواندند و اهتمام و تأکیدی بر وجه ادبی شعر نداشتند و تمام هم و غم آن‌ها بازخوانی مفاهیم و احادیث شیعی در قالب نظم بوده است. مخاطبان این گونه ادبی مردم عامه و علاقه‌مند به شنیدن کرامات حضرت علی (ع) بودند. نکته جالب توجه این است که ولایت‌نامه می‌تواند در زمره ادبیات عامیانه نیز مطرح باشد؛ ولی در این نوع ادبی هم محدود نمی‌شود؛ زیرا ساختار و محتوای مشخصی دارد که به آن اجازه می‌دهد تا در قالب یک گونه ادبی مستقل بررسی شود. از نظر ساختاری در قالب قصیده سروده شده است و در هر سه

ولایت‌نامه، نوع ادبی عامیانه در حوزه شعر شیعی _____ سعید بزرگ بیگدلی و همکار

بخش مقدمه، تنه اصلی قصیده و شریطه زبان شعر ساده و نرم است. ذکر داستان یکی از عناصر اصلی این نوع ادبی است که در تنه اصلی قصیده جای دارد و شاخصه اصلی این داستان آن است که در ذکر کرامات و معجزات حضرت علی^(ع) است. این گونه ادبی به فرهنگ شیعیان اختصاص دارد و بیشتر در شأن حضرت علی^(ع) سروده شده است.



تصویر ۱: «ولایت‌نامه» در جنگ ۳۵۲۸ دانشگاه تهران

پی‌نوشت‌ها

۱. گونه‌ای از قصه‌گویی که در آن پدیده‌ای غیرطبیعی و اعجاب‌انگیز رخ می‌دهد. ژانر فانتزی گونه‌ای از ادبیات غیرمحاکاتی است که پا را از حدود و ثغور ادبیات واقع‌گرا فراتر می‌گذارد و به مرزهای خیال و وهم وارد می‌شود (حری، ۱۳۹۳: ۱۷).
۲. البته گفتنی است که این شاعر شیعی در سرایش انواع دیگر شعر شیعی، مهارت و توانمندی خاصی داشته و تقریباً در بیشتر انواع شعر شیعی طبع‌آزمایی کرده است.

منابع

-قرآن کریم.

- ابن حسام خوسفی، محمد بن حسام‌الدین (۱۳۶۶). دیوان. به اهتمام احمد احمدی بیرجندی و محمدتقی سالک. مشهد: نشر اداره کل حج و اوقاف و امور خیریه استان خراسان.
- افشاری، مهرا (۱۳۸۹). «جست‌وجویی در تاریخ مناقب‌خوانی و اشاره‌ای به منظومه علی-نامه». ضمیمه آینه میراث. دوره جدید. ضمیمه ۲۰. س ۸. صص ۷-۳۴.
- بامشکی، سمیرا (۱۳۹۳). روایت‌شناسی داستان‌های مثنوی. تهران: هرمس.
- بویس، مری (۱۳۶۸). خنیاگری و موسیقی در ایران. ترجمه بهزاد باشی. تهران: آگاه.
- بیضایی، بهرام (۱۳۴۴). نمایش در ایران. تهران: کاویان.
- جعفریان، رسول (۱۳۹۰). «میراث منظوم ادبی شیعه در خراسان قرن هشتم و نهم هجری». www.ical.ir ۱۳۹۵/۱۰/۱.
- جنگ اشعار از شعرای گمنام (بی‌تا). نسخه خطی موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی. ش ۱۳۶۰۹.
- جنگ خزائن‌القصیده [بی‌تا]. نسخه خطی موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی. ش ۴۹۹۱.
- حری، ابوالفضل (۱۳۹۳). کلک خیال‌انگیز (بوطیقای ادبیات وهمناک، کرامات و معجزات). تهران: نی.
- دانشنامه زبان و ادب فارسی (۱۳۸۴). به سرپرستی اسماعیل سعادت. ج ۱. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- دولت‌شاه سمرقندی (۱۳۳۸). تذکره‌الشعرا. تهران: مؤسسه خاور.
- سلیمی تونی، تاج‌الدین حسن (۱۳۹۰). دیوان. به کوشش عباس رستاخیز و مقدمه حسن عاطفی. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

ولایت‌نامه، نوع ادبی عامیانه در حوزه شعر شیعی _____ سعید بزرگ بیگدلی و همکار

- سلطانی مقدم، حمیده (۱۳۸۸). «چهار قصیده از افچنگی». پیام بهارستان. د ۲. س ۲. ش ۶. صص ۲۸۵-۲۹۲.

- علی بن احمد (بی‌تا). جنگ علی بن احمد. نسخه خطی موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. ش ۳۵۲۸.

- قزوینی رازی، عبدالجلیل (۱۳۵۸). *النقض*. به تحقیق جلال‌الدین محدث ارموی. تهران: انجمن آثار ملی.

- کفاش، حمزه (۱۳۹۴). *بررسی ولایت‌نامه به مثابه گونه‌ی ادبی خاص شعر شیعی در قرن نهم*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد.

- محبوب، محمدجعفر (۱۳۸۲). *ادبیات عامیانه ایران*. ج ۲. به کوشش حسن ذوالفقاری. تهران: چشمه.

- نادعلی‌زاده، مسلم (۱۳۹۴). *گونه‌شناسی ادبیات منظوم شیعی در ایران (از آغاز صفویه تا پایان قاجار)*. پایان‌نامه دکتری. دانشکده ادبیات دانشگاه علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی.

- همایی، جلال‌الدین (۱۳۶۱). *فنون بلاغت و صناعات ادبی*. ج ۱-۲. تهران: توس.

***Velāyat Nāmeḥ*; Folk Literary Genre in Shiite Tradition**

Saeid Bozorg Bigdeli¹ Akram Karami^{* 2}

1. Associate Professor of Persian Language and Literature- Tarbiat Modares University – Tehran- Iran.
2. Ph.D. in Persian Language and Literature- Tarbiat Modares University – Tehran- Iran.

Received: 13/04/2019

Accepted: 22/06/2019

Abstract

With a variety of themes, approaches, functions and poetic forms in different periods of history, Shiite poetry has stabilized itself as a kind of continuous and dynamic flow. The lovers of Ahl al –Bayt have created the most passionate and diverse themes, and forms of Shiite literature before the establishment of Safavid dynasty in spite of obstacles and threats. Despite the lack of comprehensive research done in this field , the recent and new-born fields of research in this area shows the significance of Shiite poetry and its themes either in form or in function and can enrich the diversity of forms in Persian literature. The authors have tried to introduce the genesis of genres and sub-genres of this field according to samples extracted from manuscripts. This literary genre has been totally current among the lovers of Ahl al –Bayt in Shiite residential area (town, alley ...). By this means, they were trying to prove their love for Alī ibn Abī T ālib. The division of this type is based on the content and thesis that have been cited as the title at the beginning of the lyrics, a title that has become a kind of literary language in our religious literature over time and over the course of rehearsals. The purpose of this article is to introduce and revise the type of "*Velāyat Nameḥ*" according to divans and manuscripts that are given as witness, for instance as new types of Shiite poetry.

Keywords: Shiite poetry; *Velāyat Nameḥ*; Ahl al –Bayt – Folk poetry.

***Corresponding Author's E-mail:** akram.karami@modares.ac.ir